

تأثیر مشاوره گروهی مبتنی بر رویکرد چند وجهی لازاروس بر ارتباط مادران با دختران نوجوان

مهرناز رحمانی¹
دکتر مصطفی تبریزی²
دکتر کامبیز کامکاری³

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر رویکرد چند وجهی لازاروس بر ارتباط مادران با دختران نوجوان اجرا شد. روش پژوهش، نیمه آزمایشی دو گروهی با پیش آزمون و پس آزمون و جامعه آماری، شامل کلیه مادران دانش آموزان دختر مدارس راهنمایی شهرستان تاکستان بودند که از میان آنها 22 نفر (11 نفر در گروه آزمایش و 11 نفر در گروه گواه) به روش نمونه گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای تصادفی انتخاب و از طریق گمارش تصادفی به دو گروه آزمایش و گواه گمارده شدند. ابزار سمل مقیاس رابطه ولی - فرزندی بود. داده‌ها از طریق تحلیل کوواریانس تحلیل شد. یافته‌ها نشان داد که تفاوت معناداری بین گروه آزمایش و گواه در خرده مقیاس‌های عاطفه مثبت، همانند سازی و ارتباط وجود دارد ($P < 0/05$). این در حالی است که در خرده مقیاس آزدگی / سردرگمی نقش تفاوت معناداری بین گروه آزمایش و گواه وجود ندارد ($P > 0/05$).

واژگان کلیدی: مشاوره گروهی، رویکرد چند وجهی لازاروس، رابطه ولی - فرزندی.

E- Mail: mahnaz157@gmail.com

1- کارشناسی ارشد مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران.

2- هیأت علمی گروه مشاوره دانشگاه علامه طباطبائی.

3- استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر - گروه مشاوره. اسلامشهر - ایران.

مقدمه

انسان موجودی اجتماعی می باشد که ارتباط و تعامل با دیگران یکی از نیازهای اساسی اوست؛ از این رو نیازهای خود را در گروه‌های اجتماعی تأمین می کند (نلسون¹، 2006). یکی از طبیعی‌ترین گروه‌هایی که می‌تواند نیازهای انسان را تأمین کند، خانواده است. خانواده یکی از قوی‌ترین شکل پیوندهای ارتباط اجتماعی است (کار²، 2006). از وظایف اولیه خانواده، برقراری ارتباط است (لدبتر³، 2009). ارتباط اعضای خانواده با یکدیگر آن‌ها را قادر می‌سازد تا نیازها، خواسته‌ها و علایق خود را با سایرین در میان بگذارند، عشق، دوستی و محبت‌شان را نسبت به یکدیگر ابراز کنند و به خوبی از عهده حل مشکلات و مسائل اجتناب‌ناپذیر برآیند (بولتون⁴، 1386). این مسأله در تمام مراحل رشد نمایان است. اما در دوره نوجوانی، اهمیت به‌سزایی پیدا می‌کند (ساندرز و ولی⁵، 2005).

نوجوانی رهایی از وابستگی‌های کودکانه به والدین و بزرگسالان و دستیابی به خودکفایی در عرصه‌های گوناگون زندگی است. نوجوانان از نظر عاطفی و مالی به استقلال از والدین نیاز دارند تا به یک هویت مستقل دست یابند و ارزش‌های خود را حاکم سازند. هم چنین نیاز دارند که به تدریج برای تصمیم‌گیری و عملکردشان مسؤولیت‌پذیرتر شوند و نقش‌های عاطفی و اجتماعی جدیدی را کسب کنند (استینبرگ⁶، 2000). از این رو نوع ارتباط والدین در رشد عاطفی و اجتماعی نوجوان نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کند (تورسکی و شوارتز⁷، 2005). روابط نادرست بین والدین و نوجوانان یکی از عوامل انحراف آن‌ها در این دوره است (زانگ⁸، 2007). از میان اعضای خانواده، مادر اولین کسی است که کودک با او رابطه برقرار می‌کند، لذا مهم‌ترین نقش را در پرورش ویژگی‌های روانی و عاطفی فرزندان برعهده دارد و کانون سلامتی یا بیماری محسوب می‌گردد (ماش و بارلی⁹، 2002). لذا برقراری ارتباط سازنده بین فرزندان و مادر می‌تواند، نقش مهمی در موفقیت و رشد همه جانبه آن‌ها ایفا کند (شکوهری یکتا و پرنده، 1387). برای موفقیت در برقراری ارتباط کارساز، داشتن مهارت فنی (دانش کافی و به روز)، مهارت ادراکی (درک درست از مسائل و مشکلات) و مهارت انسانی (توانایی برقراری ارتباط مطلوب با فرزندان) برای والدین

1- Nelson

2- Car

3- Ledbetter

4- Sanders & Wooly

5- Bolton

6- Steinberg

7- Twerski & Schwartz

8- Zhang

9- Mash & Barkley

ضروری است (هورنبای¹، 2000). روش‌های گوناگونی برای آموزش و غنی سازی ارتباط بین فردی وجود دارد که یکی از آن‌ها درمان چند وجهی لازاروس² است. نگرش‌ها با استفاده از سه الگوی یادگیری (محرک - پاسخ، شناختی، کارکردی) تغییر می‌یابند (کریمی، 1383)

یکی از تئوری‌های روان درمانی که سه الگوی فوق را در بر می‌گیرد، تئوری التقاطی لازاروس است. هنر این تئوری به قول جerald کوری، برداشت به جا و به موقع از مفاهیم و فنون رویکردهای گوناگون و سپس تدارک آمیزه هنرمندانه‌ای است که بتواند مفید حال یک مراجع ویژه باشد. نظریه‌های التقاطی در سال‌های اخیر و بعد از سایر نظریه‌های روان درمانی، مانند نظریه های رفتاری، شناختی، وجودی و ... مطرح شده است. در عین حال که افزایشی در رویکردهای نظری دیده می‌شود، در ادغام نظریه‌ها و التقاط گرایی نیز افزایش چشم گیری مشاهده شود. به طور کلی، التقاط گرایی عبارت از استفاده از فنون و مفاهیم دو یا چند نظریه است.

مدافعان این نظریه، التقاط گرایی را رویکردی عنوان می‌کنند که به فرد اجازه می‌دهد نظریه خود را با استفاده از نظریه‌ها و فنون مشاوره انتخاب کنند. عده ی دیگری هم بحث می‌کنند که التقاط گرایی مشاور را تشویق می‌کند به این که از لحاظ نظری «اوستای همه کاره» باشد (اولریچی، 1980، به نقل از اباذری، 1386).

درمان چند وجهی لازاروس بر اساس نظریه جامع یادگیری اجتماعی شناختی بنا شده است (درآیدن و میتون³، 1999). در این رویکرد، درمانگر در درمان نقش هدایتگر را بر عهده دارد و به تمام ابعاد شخصیت توجه می‌کند و با توجه به نیاز مراجعان از دیدگاه‌های مختلف عناصر مفید و مؤثر را برد می‌گزیند، تا علاوه بر تضعیف رفتارها و نگرش‌های نامناسب، رفتارهای رضایت بخش و سازنده تری را آموزش دهد (لازاروس، 2003). فرض اساسی این رویکرد این است که مراجعان، مشکلات اختصاصی چند وجهی دارند که باید با دامنه گسترده‌ای از روش‌ها به آن‌ها پرداخته شود. در ارزیابی چند وجهی هر یک از هفت حوزه مهم در افراد که به اختصار BASICID نام دارند، بررسی می‌شوند. این وجوه شامل رفتار⁴، عاطفه⁵، احساس⁶، تخیل یا تصویر ذهنی⁷، شناخت⁸، روابط بین فردی⁹ و داروها / زیست شناسی¹⁰ شناسی¹⁰ هستند (کوری، 1385).

1- Hornby

2- Lazarus Multimodal Therapy

3- Dryden & Mytton

4- behavior

5- affect

6- sensation

7- imagery

8- cognition

9- interpersonal relationship

10- drugs/biology

رویکرد چند وجهی لازاروس از لحاظ کاربرد و اثربخشی در زمینه‌های مختلفی قابلیت اجرا دارد (لازاروس، 2006). در این زمینه اثر بخشی این رویکرد پژوهش‌های مختلفی بر روابط بین فردی (برانتا و همکاران¹، 2007؛ سلطانی، 1389)، بلوغ عاطفی (مهرانی، 1386) و ناراحتی‌های روان‌شناختی (بیابانگرف، 1380؛ دباغی، دادستان و ساعتچی، 1381؛ کدایی، 1384؛ ابادری، 1386) مورد تأیید قرار گرفته است.

با در نظر گرفتن روابط والد- فرزند و شناخت آن به عنوان یکی از مهم‌ترین و تأثیر گذارترین روابطی که افراد می‌توانند تجربه کنند (برزونسکی، 2004)، اهمیت و ضرورت غنی سازی و بهبود روابط والد- فرزند روشن می‌گردد. لذا پژوهش حاضر با بهره‌گیری از چهارچوب نظری و تکنیک‌های درمانی رویکرد چند وجهی لازاروس، به بررسی تأثیر این رویکرد بر روابط مادران با دختران نوجوان می‌پردازد. بر این اساس سؤالات پژوهش حاضر عبارتند از: 1- آیا مشاوره گروهی مبتنی بر رویکرد چند وجهی لازاروس عاطفه مثبت گروه آزمایش را افزایش می‌دهد؟ 2- آیا مشاوره گروهی مبتنی بر رویکرد چند وجهی لازاروس آزدگی/ سردرگمی نقش گروه آزمایش را کاهش می‌دهد؟ 3- آیا مشاوره گروهی مبتنی بر رویکرد چند وجهی لازاروس همانند سازی گروه آزمایش را افزایش می‌دهد؟ 4- آیا مشاوره گروهی مبتنی بر رویکرد چند وجهی لازاروس کیفیت ارتباط گروه آزمایش را افزایش می‌دهد؟

روش‌شناسی پژوهش

جامعه آماری، نمونه و روش نمونه‌گیری

روش پژوهش نیمه آزمایشی با طرح دو گروهی با پیش آزمون و پس آزمون² بود که طی آن رویکرد چند وجهی لازاروس به عنوان متغیر مستقل و رابطه والد - فرزند به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه مادران دانش آموزان دختر مدارس راهنمایی شهرستان تاکستان در سال 1389 بودند، که از میان آن‌ها 22 نفر با توجه به ملاک‌هایی نظیر دارا بودن حداقل سواد خواندن و نوشتن، دارا بودن سن 35 تا 45 سال و نداشتن علائم مرضی با توجه به مصاحبه تشخیصی (DSM-IV-TR)، به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای تصادفی انتخاب شدند. بدین صورت که ابتدا از بین مناطق آموزش و پرورش قزوین، منطقه تاکستان انتخاب شد. در مرحله بعد چهار مدرسه راهنمایی از بین مدارس راهنمایی انتخاب و از بین سه مقطع راهنمایی، مقطع سوم راهنمایی برگزیده شد. انتخاب در هر مرحله به صورت تصادفی بود. سپس پرسشنامه «ولی- فرزند» بین 120 نفر از دانش آموزان سال سوم راهنمایی توزیع گردید. افرادی که میانگین نمرات آن‌ها پایین‌تر از

1- Barnetta & et al

2- pre- test and post- test

18/9 بود، انتخاب شد و با ارسال دعوتنامه از طرف مدیر آموزشگاه به مادران این دانش آموزان، در یکی از مدارس جلسه‌ای برگزار گردید و از کسانی که مایل به همکاری بودند، ثبت نام به عمل آمد. از بین شرکت کنندگان، 11 نفر در گروه آزمایش و 11 نفر در گروه گواه به صورت تصادفی گمارده شدند. از آنجایی که در گروه‌های مشاوره و روان درمانی بهتر است اندازه گروه بیش از 10 تا 12 نفر نباشد (ثنایی، 1383)، تعداد اعضای گروه‌ها را در پژوهش حاضر می‌توان مناسب دانست.

ابزار سنجش

1- **مقیاس رابطه والد - فرزندی**¹: مقیاس رابطه ولی فرزندی یک ابزار 24 برای سنجیدن نظر جوانان درباره رابطه آنان با والدینشان است. «مقیاس رابطه ولی - فرزندی» دو فرم دارد، یک فرم برای سنجیدن رابطه فرزند با مادر و یک فرم برای سنجیدن رابطه فرزند با پدر (ثنایی، 1387). در پژوهش حاضر از آنجایی که هدف بررسی تأثیر رویکرد چند وجهی لازاروس بود، از فرم رابطه فرزند با مادر استفاده شد. این مقیاس رابطه فرزند با مادر را در چهار خرده مقیاس عاطفه مثبت²، آزرده‌گی/ سردرگمی نقش³، همانندسازی⁴ و ارتباط⁵، مورد سنجش قرار می‌دهد. این مقیاس از روایی پیش بین خوب بهره مند است و فرزندان خانواده‌های طلاق و یکپارچه را به طور معناداری از هم متمایز می‌کند (ثنایی، 1387). در پژوهش پرهیزکار (1381) و داداش (1383) روایی محتوایی هر دو فرم این مقیاس مورد تأیید قرار گرفت. پایایی هر دو فرم این مقیاس، در پژوهش‌های کردلو (1380)؛ پرهیزکار (1381) و داداش (1383) به ترتیب 0/94، 0/92 و 0/93 گزارش شده است. در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ برای کل مقیاس، 0/65 محاسبه شد.

روش اجرا

در پژوهش حاضر جلسات گروه آزمایش که برطبق یک برنامه از پیش تعیین شده (برنامه‌ای که قبل از شروع جلسات آموزش تهیه شده بود) و با استفاده از مبانی نظری و درمانی رویکرد لازاروس (لازاروس، 2003؛ لازاروس، 2005؛ لازاروس، 2006) به این شرح اجرا گردید: **جلسه اول**: معرفی مشاوره و فرآیند مشاوره و روش مورد استفاده، بحث در ارتباط با ماهیت نوجوانی، آشنایی مراجع با وظایف و تکالیف خود. **جلسه دوم**: پاسخگویی به فهرست وقایع زندگی چند وجهی و بحث راجع به آن. **جلسه سوم**: تهیه نیمرخ الگویی برای هر مراجع بر اساس اطلاعات درج شده توسط مراجع در پرسشنامه چند وجهی

1- Parent – child Relationship survey (PCRS)

2- Positive affect

3- Resentment / role confusion

4- Identification

5-Communication

تاریخچه زندگی. **جلسه چهارم:** توضیح درباره افکار و شناخت‌های منطقی و غیر منطقی و تأثیر آن‌ها در احساس، رفتار و عواطف فرد. **جلسه پنجم:** تمرکز بر احساسات و آموزش و اجرای آرامش عضلانی. **جلسه ششم:** کار بر روی رفتارهای مراجع، برنامه نمایشی با ابراز وجود، تقویت رفتارهای خوب و استفاده از تکنیک صندلی خالی. **جلسه هفتم:** تشویق مراجع به ایجاد تصوّرات مثبت در خود و حوادث و تغییرات زندگی که ممکن است رخ دهد. **جلسه هشتم:** آموزش و کمک به مراجع برای بیان مناسب و به موقع خشم خود، ابراز هیجانات خود و کاهش هیجانات مزاحم. **جلسه نهم:** آموزش و کمک به مراجع برای برقراری روابط اجتماعی بهتر و سازنده، مخالفت ورزی و حفظ اعتماد به نفس و بررسی راهنمای مراوده با اعضای خانواده. **جلسه دهم:** آموزش و برنامه ریزی برای ورزش روزانه و تغذیه درست و خواب کافی و مراجعه به پزشک.

یافته‌ها

داده‌های حاصل از اجرای پژوهش از طریق تحلیل کوواریانس¹ و با استفاده از نرم افزار SPSS² نسخه 17 تحلیل گردید. در تحلیل کوواریانس، عضویت گروهی و ارائه آموزش مبتنی بر رویکرد چند وجهی لازاروس به عنوان متغیر مستقل، نمرات رابطه والد- فرزند در پس آزمون به عنوان متغیر وابسته و نمرات رابطه والد- فرزند در پیش آزمون به عنوان متغیر کمکی³ (همراه) در نظر گرفته شده اند. برای استفاده از روش تحلیل کوواریانس ابتدا پیش فرض‌های آن، یعنی مستقل بودن، نرمال بودن، همگنی واریانس‌ها، همگنی شیب رگرسیون و خطی بودن بررسی شدند. برای بررسی نرمال بودن داده‌ها از آزمون کولموگورف- اسمیرنف⁴ و برای بررسی مفروضه همگنی واریانس‌ها از آزمون لوین⁵ استفاده شد. نتایج، حاکی از رعایت و برقراری همه پیش فرض‌ها جهت انجام تحلیل کوواریانس بود. نتیجه آزمون کولموگورف - اسمیرنف و آزمون لوین در جدول 1 و 2 آمده است.

جدول 1: آزمون کولموگورف- اسمیرنف برای بررسی نرمال بودن توزیع متغیرها در

پیش آزمون و پس آزمون

متغیر	مقدار آماره کولموگورف- اسمیرنف	سطح معناداری
عاطفه مثبت	0/329	1
آزردگی / سردرگمی نقش	0/922	0/363
همانند سازی	0/557	0/893
ارتباط	0/567	0/905

- 1- Analysis of covariance
- 2- Statistical package for social science
- 3- Covariate variable
- 4- Kolmogorov- Smirnov Test
- 5- Levene's Test for Equality of Variances

همان طور که در جدول 1 مشاهده می شود، تمامی متغیرها دارای توزیع نرمال هستند ($P > 0/05$).

جدول 2: آزمون لوین برای بررسی مفروضه همگنی واریانس ها

متغیر	F	df1	df2	P
عاطفه مثبت	2/07	1	20	0/165
آزردگی / سردرگمی نقش	3/50	1	20	0/076
همانند سازی	0/149	1	20	0/703
ارتباط	10/50	1	20	0/004

همان طور که در جدول 2 مشاهده می شود، مقدار F برای تمام متغیرها در پس آزمون معنادار نیست ($P > 0/05$). بنابر این مفروضه همگنی واریانس ها در همه متغیرها تأیید می شود. بررسی شیب رگرسیون ها نیز نشان داد که بین گروه ها و پیش آزمون تعامل وجود ندارد. پس از بررسی و تأیید مفروضه یکسانی واریانس ها و مفروضه یکسانی شیب رگرسیونی، مستقل بودن گروه ها مورد توجه است که چون آزمودنی ها در دو گروه آزمایش و گواه به صورت تصادفی جایگزین شده اند، این مفروضه هم مورد تأیید می باشد. در جدول 3 میانگین و انحراف معیار گروه های آزمایش و گواه در پیش آزمون و پس آزمون ارائه شده است.

جدول 3: میانگین و انحراف معیار گروه آزمایش و گواه در پیش آزمون و پس آزمون

متغیر	پیش آزمون		پس آزمون		شاخص
	گروه	M	SD	M	
عاطفه مثبت	آزمایش	57/72	17/40	72/81	13/79
	گواه	59/54	26/05	53	15/30
آزردگی / سردرگمی نقش	آزمایش	8	2/89	9/27	1/95
	گواه	7/63	2/73	7/36	2/87
همانند سازی	آزمایش	8/54	3/83	12/09	3/14
	گواه	13/09	18/60	7/63	3/74
ارتباط	آزمایش	22/27	8/21	33	6/32
	گواه	21/54	6/25	21/54	6/77

جدول 4: خلاصه اطلاعات مربوط به آزمون t برای مقایسه میانگین های گروه آزمایش و گواه در خرده مقیاس های رابطه ولی - فرزند، در مرحله پیش آزمون

متغیر	گروه	M	SD	DF	T	P
عاطفه مثبت	آزمایش	57/72	17/40	20	-0/722	0/479
	گواه	59/54	26/05			
آزدگی / سردرگمی نقش	آزمایش	8	2/89	20	0/303	0/765
	گواه	7/63	2/73			
هماند سازی	آزمایش	8/54	3/83	20	-0/794	0/437
	گواه	13/09	18/06			
ارتباط	آزمایش	22/27	8/21	20	0/234	0/818
	گواه	21/54	6/25			

همان طور که نتایج جدول 4 نشان می دهد، با توجه به مقدار t محاسبه شده، تفاوتها معنادار نیستند ($P > 0/05$). بنابراین نتیجه گرفته می شود که در متغیرهای مورد نظر در مرحله پیش آزمون تفاوتی بین نمرات آزمودنی ها در دو گروه آزمایش و گواه وجود ندارد. این نتیجه بدین معنی است که اطلاعات قبلی گروهها برابر است. در جدول 5 نتایج تحلیل کوواریانس ارائه شده است.

جدول 5: نتایج تحلیل کوواریانس برای بررسی تفاوت بین گروه های پژوهش در خرده مقیاس های رابطه ولی - فرزند

متغیرهای پژوهش	SS	DF	MS	F	P	مجذور سهمی اتا	η^2
عاطفه مثبت	2956/65	1	2956/65	39/97	0/000	0/67	1
آزدگی / سردرگمی نقش	15/13	1	15/13	6	0/024	0/24	2
هماند سازی	136/94	1	136/94	14/97	0/001	0/44	3
ارتباط	644/44	1	644/44	126/40	0/000	0/86	4

پس از کنترل اثر پیش آزمون، تأثیر رویکرد چند وجهی لازاروس بر خرده مقیاس های رابطه ولی - فرزند بر نمرات پس آزمون دو گروه آزمایش و گواه بررسی شد. همان طور که در جدول 5 مشاهده می شود، بین میانگین دو گروه در خرده مقیاس های عاطفه مثبت، هماند سازی، ارتباط و آزدگی / سردرگمی نقش تفاوت معناداری ($P < 0/05$) وجود دارد. این تفاوت در متغیرهای عاطفه مثبت، هماندسازی و ارتباط به نفع گروه آزمایش است ولی در متغیر آزدگی / سردرگمی تفاوت به نفع گروه گواه است.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر رویکرد چند وجهی لازاروس بر ارتباط مادران با دختران نوجوان انجام شد. نتایج نشان داد که این رویکرد بر روابط مادران با دختران در متغیرهای عاطفه مثبت (پایداری رابطه، میزان اعتماد، احترام، دلتنگی، احساس نزدیکی، تحسین، ارزش برای نظرات دیگری)، همانند سازی (تلاشی برای درونی کردن خصوصیات شخص دیگر) و ارتباط (فرایند مبادله اطلاعات، افکار و احساسات) مؤثر بوده است ($P < 0/05$). این یافته به نوعی با نتایج مطالعات (برانتا و همکاران، 2007؛ سلطانی، 1389؛ مهرانی، 1386) هم سو است. در تبیین احتمالی این یافته می‌توان گفت که رویکرد چند وجهی یک الگوی جامع برای تفکیک حواس از احساسات، تمایز بین تصورات و شناخت‌ها، تأکید بر روابط درون فردی و بین فردی و تأکید بر بستر بیولوژیکی است (لازاروس، 2005). براین اساس اساساً انسان‌ها ارگانیزم‌های بیولوژیکی هستند که رفتار (عمل و عکس‌العمل)، احساس (حس لامسه، پویایی و...)، تصور (تجسم تصاویر، صداها و رویدادهای دیگر در ذهن)، فکر (داشتن باورها، عقاید، ارزش‌ها و نگرش‌ها را در ذهن) می‌کنند و با یکدیگر در تعامل هستند و از روابط بین فردی لذت می‌برند و یا آن‌ها را تحمل می‌کنند، لذا اعتقاد بر این است که فرد زمانی به بلوغ عاطفی دست می‌یابد و روابط سازنده‌ای برقرار می‌کند که توانایی این تفکیک و تمایز را داشته باشد (لازاروس، 2008). از آن جایی که در پژوهش حاضر موارد فوق در طول جلسات لحاظ و اجرا گردید، مؤثر واقع شدن رویکرد چند وجهی لازاروس بر رابطه مادران با دختران گروه آزمایش دور از انتظار نیست.

در تبیین احتمالی دیگر می‌توان گفت که از نظر لازاروس عواطف شامل هیجاناتی مانند اضطراب، پشیمانی، یأس، خشم و احساس گناه است. بر خلاف سایر ابعاد شخصیت، عواطف مستقیماً قابل دستکاری نیستند، بلکه از طریق تغییر شیوه تفکر درباره یک واقعه (شناخت)، تغییر می‌کنند. به عبارت دیگر همه تغییرات در عواطف از طریق تغییر در دیگر ابعاد ایجاد می‌شود (لازاروس، 2006). در پژوهش حاضر با مد نظر قرار دادن این موضوع، در جلسات به شرکت‌کنندگان کمک شد تا افکار و شناخت‌های منطقی و غیر منطقی و تأثیر آن‌ها در احساس، رفتار و عواطف را مورد توجه و تمرین قرار دهند، بر احساساتشان تمرکز نمایند، تصورات مثبت را ایجاد کنند و هیجانات خود را به موقع و مناسب ابراز کنند و برای برقراری روابط بهتر و سازنده، با بهره‌گیری از چهارچوب رویکرد چند وجهی اقدام نمایند. به عبارت دیگر سعی بر این بود که با تمرکز بر وجوه رفتار، عاطفه، احساس، تخیل یا تصویر ذهنی، شناخت، روابط بین فردی، و داروها / زیست‌شناسی، به شرکت‌کنندگان در ایجاد ارتباط سازنده کمک شود، لذا تأثیر به کارگیری این رویکرد بر روابط، در پژوهش حاضر دور از انتظار نیست.

یافته دیگر پژوهش حاضر نشان داد وجود تفاوت بین گروه آزمایش و گواه در متغیر آزرده‌گی / سردرگمی نقش به نفع گروه آزمایش نبوده است. بدین معنی که مشاوره گروهی مبتنی بر رویکرد چند وجهی لازاروس نتوانسته است نمرات متغیر آزرده‌گی / سردرگمی نقش شرکت‌کنندگان گروه آزمایش را

کاهش دهد. در تبیین احتمالی این یافته می‌توان گفت که در آزرده‌گی / سردرگمی نقش، ادراک اعضای خانواده از نقش‌های یکدیگر ناشی می‌شود، هر عضو از نقش خود در خانواده برداشت خاصی دارد. سایر اعضای خانواده در مورد نقش اعضای دیگر، ادراک‌های خاص خود را دارند. ادراک این افراد از نقش خود و دیگر اعضای خانواده تحت تأثیر عواملی مانند هویت جنسی، احساس هویت شخصی و انتظارات اجتماعی قرار دارد (تبریزی، 1385)، لذا شاید کار روی این ادراک‌ها و ایجاد تغییر کار ساز در آن‌ها، به جلسات بیش‌تری نیاز داشته باشد.

در نتیجه گیری پایانی می‌توان گفت نتایج پژوهش حاضر نشان داد که رویکرد چند وجهی لازاروس بر ارتباط مادران با دختران نوجوان مؤثر است. به نظر می‌رسد که این شیوه می‌تواند علاوه بر نقش درمانی، نقش پیشگیرانه و رشدی نیز داشته باشد. بنابراین با استفاده از مفاهیم و چهارچوب این رویکرد و آموزش آن به خانواده‌ها می‌توان از بروز روابط ناکارآمد و هم‌چنین تعارضات ولی فرزندی جلوگیری کرد و علاوه بر آن روابط ولی فرزندی را غنی ساخت. بر همین اساس این شیوه را می‌توان به عنوان یک مداخله مؤثر به مشاوران و متخصصان درمان خانواده پیشنهاد داد و از آن در دوره‌های آموزش خانواده و مراکز و هسته‌های مشاوره در آموزش و پرورش، استفاده کرد. با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر برگزاری دوره‌های تخصصی و بازآموزی با استفاده از رویکرد چند وجهی لازاروس به مشاوران و روان‌شناسان خانواده پیشنهاد می‌گردد. هم‌چنین با برپایی نشست‌های تخصصی برای خانواده‌ها می‌تواند به ارائه راهکارهایی برای بهبود روابط خانوادگی، علی‌الخصوص روابط والد-فرزندی منجر شود. هم‌چنین با توجه به نتایج پژوهش حاضر پیشنهاد می‌گردد که پژوهش‌هایی با همین موضوع ولی با تعداد جلسات بیش‌تر، همراه با آزمون پیگیری، انجام شود. علاوه بر آن میزان تأثیر این روش بر سایر ابعاد روابط والد فرزندی نظیر صمیمیت، تعارض و سازگاری و ... در پژوهش‌های بعدی، مورد بررسی قرار بگیرد. پژوهش حاضر محدودیت‌های نیز داشته است. با توجه به این‌که گروه نمونه را مادران دانش‌آموز دختر مدارس راهنمایی تشکیل می‌دهند، تعمیم نتایج به تمامی اقشار و گروه‌ها باید با احتیاط صورت بگیرد. هم‌چنین پژوهش حاضر تنها به بررسی تأثیر رویکرد چند وجهی لازاروس بر ارتباط مادران با دختران نوجوان پرداخته است. بنابراین نتایج فقط در جهت شناسایی تأثیر مداخلات مبتنی بر آن رویکرد بر رابطه ولی فرزندی حائز اهمیت است.

تقدیر و تشکر

از مادرانی که به عنوان آزمودنی در این پژوهش شرکت کردند، از دانش‌آموزان و مدیران آموزشگاه‌هایی که در پژوهش حاضر نقش مساعدی داشتند و با همکاری صمیمانه آن‌ها اجرای پژوهش امکان پذیر گردید، تشکر و قدردانی می‌گردد.

منابع

- اباذری، فاطمه. (1385). بررسی اثربخشی روش مشاوره چندوجهی لازاروس بر کاهش افسردگی زنان استان تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
- بیابانگرد، اسماعیل. (1380). اثربخشی روش های درمان چندوجهی لازاروس، عقلانی عاطفی الیس، آرام سازی و دارونما بر کاهش اضطراب امتحان دانش آموزان در سطح شهر تهران، رساله دکتری، دانشگاه علامه طباطبایی.
- بولتن، رابرت. (1386). روانشناسی روابط انسانی. ترجمه: حمید رضا سهرابی. چاپ چهارم. تهران: انتشارات رشد. (سال انتشار اثر به زبان اصلی، 1987).
- پرهیزکار، آمنه. (1381). مقایسه کیفیت رابطه ولی - فرزندی در دانش آموزان دارای بحران هویت و فاقد بحران هویت دبیرستان های دخترانه شهرستان کازرون. پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تربیت معلم.
- تبریزی، مصطفی. (1385). فرهنگ توصیفی خانواده و خانواده درمانی. تهران: انتشارات فراروان. چاپ اول.
- ثنایی، باقر. (1383). روان درمانی و مشاوره گروهی. چاپ چهارم. تهران: انتشارات چهره.
- ثنایی، باقر. (1387). مقیاس های سنجش خانواده و ازدواج. تهران: انتشارات بعثت. چاپ دوم.
- داداش، زهرا. (1383). کاربرد بازسازی خانواده در بهبود رابطه مادر- دختر. پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره، دانشگاه خاتم.
- دباغی، پرویز؛ دادستان، پریخ؛ ساعتچی، محمود. (1381). اثربخشی دو روش درمان چندوجهی و آرامش سازی تدریجی در کاهش اضطراب دانش آموزان مقطع متوسطه دبیرستان های منطقه 18 آموزش و پرورش تهران. مقاله ارائه شده در دومین کنگره روان شناسی بالینی ایران، دانشگاه علوم بهزیستی و توان بخشی، 25-24 اردیبهشت.
- سلطانی خورشید، حدیث. (1389). اثربخشی آموزش گروهی با رویکرد چندوجهی لازاروس بر افزایش رضایت زناشویی زنان بر خانم های عضو بسیج سبزدشت در شهرستان رباط کریم. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.

شکوهی یکتا، محسن و پرند، اکرم. (1387). آموزش روش حل مسأله به مادران و تأثیر آن بر روابط خانوادگی، فصلنامه خانواده پژوهی، 4(13)، 5-16.

کدایی، ایوب. (1384). مقایسه اثربخشی درمان چندوجهی لازاروس و آموزش مهارت‌های مطالعه بر کاهش اضطراب امتحان دانش آموزان پسر سال سوم دبیرستان شهرستان گرگان. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.

کریمی، یوسف. (1383) نگرش و تغییر نگرش. تهران: نشر ویرایش. چاپ پنجم.

کوری، جerald. (1385). نظریه و کاربرد مشاوره و روان درمانی، ترجمه: یحیی سید محمدی. چاپ اول. تهران: نشر ارسباران. (سال انتشار اثر به زبان اصلی، 2005).

مهرانی، بهناز. (1386). بررسی اثربخشی رویکرد چندوجهی لازاروس بر بلوغ عاطفی دانش آموزان دختر سال سوم متوسطه منطقه دو آموزش و پرورش ملارد. پایاننامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.

Barnetta.J., Lazarus.A.A., Vasquezc.M.T., Moorehead-Slaughterd.O., & Johnstone.W. (2007). **Boundary Issues and Multiple Relationships: Fantasy and Reality**. *Experimental and Clinical Psychopharmacology*.19(1), 40-52.

Berzonsky, M. (2004). **Identity style, parental authority, and identity commitment**. *Journal of Youth and Adolescence*, 33(3), 213-220.

Car.A.(2006). **Family therapy: concepts, process and practice**. New York: John Wiley.

Dryden, Windy & Mytton, Jill, (1999). **Four approaches to counseling and psychotherapy**. Routledge, London, Great Britain.

Hornby.G.(2000). **Improving parent involvement**. Londen:Cassell.

Lazarus, A.A. (2003). **Multimodal behavior therapy**. In W. O'Donohue, J.E. Fisher, & Steven V.Hayes (Eds.), **Cognitive behavior therapy**. Hoboken, NJ: Wiley.

Lazarus, A.A (2005) . **Multimodal therapy** .In R.J.Corsini,&D.Wedding (eds.) , current psychotherapies.(seventh edition) . Belmont , CA: Brooks/cole.

Lazarus, A.A (2006) . **Multimodal therapy : A sevenpoint integration**. In G.stricker & J.Gold (eds.) . ADC: APA Books.

Lazarus, A.A.(2008). **Technical eclecticism and multimodal therapy , third deaf for joy lebow 21 century psychotherapists** . published by john willy and sons.

Ledbetter, M.A.(2009). **Family communication patterns and relational maintenance behavior: Direct and mediated association with friendship closeness**. *Human Communication Research*,35(1),130-147.

- Mash EJ, Barkley RA.(2002). **Child psychopathology**. 1st ed. New York: Guildford. 108-48.
- Nelson, Jones, R, (2006). **Theory and Practice of counseling and therapy**, (4th Ed). London, SAGE publications.
- Sanders, M. R., & Wooly, M. L. (2005). **The relationship between maternal self-efficacy and parenting practices: implications for parent training**. Child, Care, Health & Development, 31, 65-73.
- Steinberg, L. (2000). **The family at adolescence: Tradition and transformation**. Journal of Adolescent Health, 27, 170 -178.
- Twerski, R. A., & Schwartz, U. (2005). **Positive parenting**. NY: Pearson Company Inc.
- Zhang. Q.(2007). **Family communication patterns and conflict styles in Chinese parent – child relationships**. Communication Quarterly,55,113-128.

Archive of SID